

گنجینه‌ی شماره ۱۴

خرید از بازار



بچه های کلاس زمین به همراه معلمشان تصمیم گرفتند تا برای خرید لوازم تحریر مدرسه به بازار بروند. خانم معلم با لبخندی مهربان به بچه ها گفت: بچه های خوب، امسال می خواهیم خودمان برای کلاس مان لوازم تحریر بخریم. هر کدام از شما یک لیست از وسایلی که نیاز دارید تهیه کنید، بعد با هم به بازار می رویم. بچه ها از شنیدن این خبر خیلی خوش حال شدند. آن ها همیشه دوست داشتند خودشان تصمیم بگیرند و کارهای جدیدی را تجربه کنند. هر کدام از بچه ها در فصل تابستان هر ماه ۴۰۰ تومان پول پس انداز کرده بود.

روز خرید فرا رسید. ۳ تا از بچه ها با ذوق و شوق لیست لوازم تحریر خود را نوشتند. در لیست هر کدام، چیزهای جالبی بود. مثلاً علی دوست داشت یک مداد تراش آدم فضایی داشته باشد، کیوان عاشق خودکارهای رنگی بود و حسین به دفترهای طرح دار علاقه داشت. این ۳ نفر با کیف پول های کوچکشان به همراه خانم معلم به بازار رفتند. بازار پر از مغازه های رنگارنگ لوازم تحریر بود. وارد اولین مغازه شدند، این مغازه انواع مداد، خودکار، پاک کن و تراش را داشت.





علی یک مداد تراش برداشت. کیوان هم چند تا خودکار رنگی خوش‌رنگ انتخاب کرد. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه ۵۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها ۲ خودکار، یک تراش و یک پاک‌کن برداشتند. خانم معلم نیز ۴ بسته ۱۰ تایی مداد برای ۲۰ دانش‌آموزان کلاسش هدیه خرید.

بعد از آن مغازه، به فروشگاه کاغذ رفتند. در این مغازه انواع کاغذ، دفتر، پوشه و چسب وجود داشت. حسین یک دفتر طرح‌دار خیلی زیبا پیدا کرد. بچه‌های دیگر هم دفترها و پوشه‌های مورد نیاز خود را انتخاب کردند. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه ۱۰۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها یک بسته کاغذ، سه دفتر و یک پوشه برداشتند.

مغازه بعدی، مغازه لوازم نقاشی بود. در این مغازه انواع قلم‌مو، رنگ، آبرنگ و مدادرنگی وجود داشت. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه نیز ۲۰۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها یک بسته مدادرنگی و یک بسته آبرنگ انتخاب کردند.

وقتی همه‌ی خریدهایشان تمام شد، به سمت صندوق رفتند. در قسمت صندوق، یک آقا با موهای سفید و لبخندی مهربان نشسته بود. بچه‌ها به طرف آقا رفتند و وسایلشان را روی میز

گذاشتند. آقا بادقت به وسایل بچه‌ها نگاه کرد و گفت: بچه‌های خوب، شما خریدهای خیلی خوبی داشتید. آقابزرگ یک کاغذ و یک خودکار برداشت و شروع به نوشتن کرد. او لیستی از وسایل خریداری شده توسط هر کدام از بچه‌ها را نوشت و کنار هر وسیله، قیمت آن را نوشت. بعد از اینکه لیست را کامل کرد، آن را به بچه‌ها نشان داد و گفت: این چیزی که من نوشتم، فاکتور خرید نام دارد. فاکتور خرید، یک مدرک است که نشان می‌دهد شما چه چیزهایی خریده‌اید و چقدر پول داده‌اید. بچه‌ها با دقت به فاکتور خرید نگاه کردند. آن‌ها فهمیدند که فاکتور خرید چقدر مهم است. بعد از اینکه آقابزرگ فاکتور خرید را به بچه‌ها داد، آن‌ها از او تشکر کردند و از مغازه بیرون آمدند. وقتی به مدرسه برگشتند، خانم معلّم با آن‌ها در مورد خریدهایشان صحبت کرد و بچه‌ها با هیجان برای خانم معلّم از ماجرای خریدشان گفتند و به او فاکتور خرید را نشان دادند. خانم معلّم از بچه‌ها به خاطر انتخاب‌های خوب و مسئولیت‌پذیری تشکر کرد. او به بچه‌ها گفت که یاد گرفتن چگونه خرید کردن و استفاده از فاکتور خرید، یک مهارت بسیار مهم است.





خرید از بازار



داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

- ۱) بچه ها برای خرید چه چیزی به بازار رفتند؟ لوازم تحریر مدرسه
- ۲) چرا بچه ها تصمیم گرفتند خودشان لوازم تحریر بخرند؟ چون همیشه دوست داشتند خودشان تصمیم بگیرند و کارهای جدیدی را تجربه کنند.
- ۳) در فروشگاه کاغذ چه چیزهایی می فروختند؟
انواع کاغذ، دفتر، پوشه و چسب
- ۴) آقابزرگ در مغازه به بچه ها چه چیزی را یاد داد؟ نوشتن فاکتور خرید
- ۵) فاکتور خرید چه کاربردی دارد؟ مدرکی که نشان می دهد چه چیزهایی خریده ایم و چقدر پول داده ایم.

۶) اگر هر کدام از بچه‌ها ۴۰۰ تومان در ماه پس‌انداز کرده باشد، بعد از پایان تابستان چقدر

$$3 \times 400 = 1200 \text{ تومان}$$

پول جمع کرده است؟

۷) حساب کن بچه‌ها از هر مغازه چند تومان خرید کرده‌اند؟

تومان ۶۰۰ اولین مغازه

تومان ۱۲۰۰ مغازه لوازم نقاشی

تومان ۱۵۰۰ فروشگاه کاغذ

۸) خانم معلم برای دانش آموزان کلاسش مداد هدیه خرید. به هر دانش آموز

چند مداد می‌رسد؟ ۲ مداد

$$40 \div 20 = 2$$

